

• ابوالفضل خوش‌منش *

تفسیر اجتماعی قرآن و بیداری اسلامی

چکیده: تفسیر قرآن کریم در سیر خود، مراحل و اطوار گوناگونی را شاهد بوده که یکی از آنها تفسیر اجتماعی است. حرکت جدیدی که نقش مهمی در ارائه اندیشه سیاسی اسلام و برانگیختن مردم در جهت حق‌طلبی و عدالت‌جویی، ایفا نمود. این مکتب، زمینه‌ساز نگرش به قرآن به عنوان عرضه‌کننده مسائل اساسی مدنیت و حاکمیت ملل مسلمان و اظهار عظمت قرآن و کشف مقاصد دقیق آن گردید. این تفسیر تا رسیدن به مرحله‌ای که شایسته کلام الله مجید است، راهی نه چندان کوتاه را در پی دارد. با این حال تا کنون توانسته است نقش قابل‌اعتنایی را در عرصه جوامع اسلامی ایفا کند. مقاله حاضر می‌کوشد تا با توجه به دیدگاه‌های راهبران و معلمان قرآنی جوامع و ملل اسلامی در دو قرن اخیر، نحوه‌گذار از «قرآن گورستان» به «قرآن زنده فرد و اجتماع» را نشان دهد و بخشی از آثار بازگشت به قرآن کریم را در جوامع اسلامی تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: تفسیر اجتماعی، بیداری اسلامی، صحوه اسلامی، بازگشت به قرآن، تفسیر قرآن.

• عضو هیئت علمی دانشگاه اراک.

ترکیب بیداری اسلامی، ترکیبی آشنا است و از نظر لفظی نیازی به شرح و بسط ندارد. دعوت به بیداری، مقابله‌ای بود که با هجوم استعمار به سرزمین‌های اسلامی آغاز گردید. اگر این هجوم استعماری نیز صورت نمی‌گرفت، بیداری می‌بایست به‌نحوی برای اداره این سرزمین‌های بزرگ اتفاق بیفتد. داستان بیداری اسلامی با بین الملل اسلامی نیز گره خورده است که ریشه در آموزه‌های قرآن کریم دارد و نیز در پی ضرورتی پدید آمد که مصلحان و بیدارگران اسلامی آن را احساس کردند. مراد از بیداری اسلامی، بیداری پدیدآمده در دو قرن اخیر است که پس از رکود جوامع مسلمان در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آشکار شد. هنوز نیز آثار این رکود و رسوب‌های آن در این جوامع قابل مشاهده است؛ وضعیتی که وصف ذیل، واگویی‌ای نمادین از آن است:

بر اندام رسا و برازنده اسلام، جامه ژنده گدایان و دستار چرکین کلاًشان را پوشاندند. اسلام را به صورت آخوندی دستار به‌سر و ژنده‌پوش درآوردند که انگشت‌های چرک و لاغر را در حلقه‌های زنگ‌زده انگشتری‌های عقیق تیره مدفون کرده، ذرات حلوا و غذا یادگار سالیان دراز، در اطراف حلقه‌ها و نگین‌ها کپره بسته و بویی مشوش و درهم از آنها متصاعد است و به یادگار اسارت‌ها، روی پوست شطرنجی شکل و پرچین گردنش خط زنجیر افتاده، پیوسته‌آه می‌کشد و آروغ می‌زند.

قرآن مجید منحصر شد در گورستان‌های تیره و خاک‌آلود که از لای دندان‌های چرک و کرم افتاده در یوزه گران با آهنکی مرگبار تلاوت شود. غسل ارتعاشی و استبرا و تنحج غلیظ، مظاهر این دین را تشکیل می‌داد. کلمه طيبة لاله الا الله که پایه انسانیت و رکن بت‌شکنی بود و جنگجویان برازنده اسلام به نیروی آن در معارک پرشگفت تاریخ می‌جنگیدند و از طنین جان‌بخش و زیبایی آن، بندهای اسارت را از گردن‌ها می‌گسستند و از انعکاس آن، خون غیرت و خداپرستی به جوش می‌آمد، صحنه مرده‌شوی خانه و صدای سرد ریزش آب بر روی مرده‌ای را مجسم می‌کرد

و صحنه جنازهای نهاده شده را میان چوب‌پاره‌ای که عده‌ای افسرده و اشک‌آلود در پی آن روانند، نوای مرگ می‌سرایند و از هیبت مرگ می‌لرزند. در حالی که مرگ از هیبت خداپرستان بر خود می‌لرزید (العقاد، عباس محمود، ص ۱۳).

آغاز بازگشت به قرآن

مشاهده نابسامانی‌های جهان اسلام، مصلحان مسلمان را در اندیشه جبران آن عقب‌ماندگی‌ها انداخت. از نظر آنان در زمان التباس فتنه‌های سیاهی که همچون شب‌پاره‌های قیرگون از طاق مقرنس در حال فرو ریختن بود، راهی جز بازگشت به قرآن وجود نداشت. همان راهی که رسول گرامی اسلام (ص) بر پیمودن آن بسیار سفارش می‌کرد: اذا التبت علیکم الفتن قطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن.

تحولات قرن دوازدهم و سیزدهم هجری، نهضت اصلاحی بازگشت به قرآن و نگاهی جدید به اسلام را رقم زد. اسلام از نظر رهبران بیداری اسلامی می‌توانست و می‌بایست با نیازهای زمان و مقوله‌هایی چون آزادی، عدالت اجتماعی، فلسفه تاریخ، مبارزه با استبداد و ستمگری، مبارزه با فقر و فساد اجتماعی رودررو شود و شفای دردهای ملل اسلامی را به آنان ارزانی دارد (گلنزیهر، ایگناس، ص ۳۰۱-۳۰۲). قضایای مورد اشاره برای احاد جوامع اسلامی، در آغاز عهد بیداری غریب و ناشناخته بودند، چنان که هنوز در پاره‌ای نقاط اسلامی چنین اند. این بازگشت قرآنی، در حیات فکری و سیاسی بخشی از جامعه اسلامی طی دو قرن اخیر، در قالب رویکردی به قرآن مجید صورت گرفت که بعدها نام «تفسیر اجتماعی» به آن داده شد. رویکردی جدا از مقوله «تفسیرنگاری».

مکتب تفسیر اجتماعی

هدف عمده مکتب تفسیر اجتماعی، آوردن قرآن از گورستان به متن و بطن جامعه بود، اما چنین تحولی نیز با «تفسیرنگاری» صورت نمی‌گرفت.

شرط بهره‌گیری از نور و حکمت قرآنی، آوردن آن از گورستان مردگان به گورستان دانش - که همان قفسه‌های غبارگرفته کتابخانه‌ها باشد - نبود؛ بلکه قرآن کریم می‌بایست به سینه‌های زنده راه پیدا کند: ان هو الا ذکر و قرآن مبین لینذر من کان حیاً و یحق القول علی

الکافرین (یس / ۶۹ و ۷۰). چنین است که پیشگامان این وادی، بر مکتوب نکردن تفسیر با وجود برخورداری از توان بالای تألیف و نویسندگی اصرار می‌ورزیدند. آنان، اصل حرکت را مبتنی بر یافتن مخاطبان مستعد و تربیت آنان می‌دیدند. همان روشی که در شیوه رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) دیده می‌شود. حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمودند:

وانقطع دون الرسوخ فی علمه جوامع التفسیر؛ جوامع و کتب تفسیری بر دروازه علم قرآن مانندند. (حویزی، ج ۱، ص ۳۱۸، حدیث ۴).

ما این نکته را در سیره علمی و عملی راهبران قرآنی می‌بینیم. سید جمال‌الدین اسدآبادی - که وصف جهاد قرآنی وی و دیگر رهبران بیداری اسلامی در سطور آتی خواهد آمد - حرکت قرآنی خود را با نگارش «تفسیر» آغاز نکرد. او، لزوماً به «تفسیرنگاری» اعتقادی نداشت و راه تربیت انسان‌ها را رهن نگارش «تفسیر» و تکرار مطالب و شرح الفاظ نمی‌دانست. او به تاسی از رسول اکرم (ص)، وظیفه مربی و مرشد جامعه را «تلاوت آیات» و «تذکیه و تعلیم کتاب و حکمت» می‌یافت. شگفتا که قریب این حالت را در سیره داعیان و ساعیان پس از او نیز می‌بینیم. عبده، شاگرد او نیز می‌گفت که تک‌تک آیات قرآن نیاز به تفسیر ندارد و عمر نیز کفاف چنین کاری را نمی‌دهد، بلکه شدت و درجه نیاز به آیات و سوره قرآن، تابعی از شرایط زمان و مکان و نیز شرایط مخاطب است. او خود به تفسیر آیاتی برای مخاطبان علاقه‌مند پرداخت که ضرورت مزبور را در خصوص آنها، شدید می‌دید (رشیدرضا، سیدمحمد، ج ۱، ص ۱۲). آیت‌الله طالقانی که خلوص و نقش قرآنی او در انقلاب اسلامی ایران روشن است؛ با وجود برخورداری از توان ارزنده و قلمی شیرین و شیوا، به نگارش یک «دوره تفسیر» اقدام نکرد بلکه، چنان که خواهیم دید، او تفسیر را از بیان و تدریس برای مخاطبان آغاز کرد و بعدها با فراغتی که از جمله در زندان حکومت پهلوی یافت، شروع به نگارش مطالبی کرد که خود، «چشم در چشم جوانان علاقه‌مند» به آنها رسیده و آنها را ادراک کرده بود. امام خمینی (ره) نیز با آن نقش انکارناپذیرش در تصحیح نحوه تعامل با قرآن مجید، هیچ تفسیری ننگاشت، حتی بیان شفاهی تفسیر سوره حمد او نیز که با اصرار برخی از شاگردان مشتاق آغاز شده بود، به عللی ناتمام ماند.^۱

۱. امام خمینی (ره) در سال‌های پایانی عمر از اینکه تمام عمر خود را صرف قرآن کریم نکرده است، اظهار تاسف کرده و از آرزوی برآورده نشده خود در نگارش اثری پیرامون برداشت‌هایی جدید از داستان‌های قرآن سخن می‌گفته است. اما این سخنان به مفهوم «تفسیرنگاری» به شیوه مرسوم نبود.

ویژگی‌های تفسیر اجتماعی

روش تفسیر اجتماعی، در پی تبیین رابطه قرآن کریم با سرنوشت فرد و اجتماع است. در این روش، فرورفتن در مباحث خشک و محدودکننده‌ای مانند مباحث لفظی، ادبی و اسباب النزول، جای خود را به استنتاج قرآن کریم در قضایای مربوط به فرد و جامعه، سیاست، اقتصاد و سرنوشت انسان در این دنیای بزرگ و پیچیده می‌دهد. این روش تفسیری، با خاطری زلال و فارغ از تأثرات مذهبی و بدون تحمیل گرایش‌های مذهبی به آیات قرآنی می‌نگرد. در این روش به روایات اسرائیلی نیز با نظری نقادانه نگریسته می‌شود و روایات تفسیری ضعیف و اثبوت اصطلاحات فلسفی و کلامی - جز در حد نیاز و ضرورت - کُمیت اندیشه را لنگ نمی‌کنند (نک. معرفت، محمدهادی، ج ۲، ص ۴۵۲). ادبیات این تفسیر گسسته و گسیخته از واقعیات زندگی مردم نیست و مخاطبان، به خصوص جوانان را با بحث‌های خشک و پیچیده فراری نمی‌دهد. این سبک تفسیری، گامی به سوی جامعیت قرآن در جامعه اسلامی است.

«مکتب تفسیر عصری و اجتماعی» با وجود آثار و برکات فراوانی که در جوامع اسلامی در بیش از یک سده اخیر بر جای نهاده است، جایگاه شایسته خود را در جوامع اسلامی نیافته و هنوز در آغاز راه است و تا رسیدن به مرتبه‌ای در خور قرآن کریم، فاصله‌ای نه چندان اندک دارد. این در حالی است که ده‌ها تن از مفسران قرآن در پی تحول پدید آمده رو سوی این روش نهادند. در اینجا مروری فشرده بر کار چند مفسر شاخص در این مکتب داریم و سعی قرآنی آنان را در بیداری و بین‌الملل اسلامی قرن اخیر مد نظر قرار می‌دهیم.

پیشگامان تفسیر اجتماعی

۱. سیدجمال‌الدین اسدآبادی

داستان بیداری اسلامی در عصر اخیر، گره‌خورده با داستان زندگی مردی است که با اعتماد به قرآن، برابر استعمار ایستاد؛ در عصر غفلت سرزمین‌های اسلامی از جای برخاست و بدون برخورداری از امکانات مادی و پشتیبانی خاص، بلکه رویارو با انواع مشکلات جانکاه، بانگ بیداری را در گوش امت خواب زده اسلام طنین انداز کرد و پس



از او نیز گروهی از مصلحان هر یک به سهمی در این وادی مشارکت کردند.^۱

سیدجمال‌الدین بن صفدر بن علی حسینی اسدآبادی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ ق)، مصلحی است که درد مسئولیت، محرک او و قرآن درون سینه، سرمایه‌اش بود. مصلحی با همتی رفیع که قصدش بیداری جهان اسلام و هم‌آوایی امت اسلامی بر سر منافع مشترک، مقابل دشمن مشترک بود. می‌کوشید امت را از حالت طفلی صغیر بیرون کشد تا به سان رجلی رشید، نفع و ضرر خود را ببیند. در این راه از همه چیز گذشت و جان و مال و آبروی خود را بر سر هدفش نهاد. سخت‌ترین تهمت‌ها همانند بی‌دینی و بایبگیری را نیز به جان خرید.

شخصیت علمی سیدجمال

سیدجمال، یکی از بزرگان و دانشمندان تاریخ اسلام است. او را متفکر و فیلسوفی بزرگ، صاحب هویت علمی و عمق فلسفی، استحکام نظری و پس از ابونصر فارابی بزرگ‌ترین فیلسوف سیاسی اسلام شمرده‌اند. با این تفاوت که فلسفه اجتماعی و سیاسی او از وحی قرآنی و سنت اسلامی کاملاً سیراب است. شیخ آقا بزرگ طهرانی او را در شمار بزرگ‌ترین فیلسوفان و از کبار مصلحان شیعه یاد کرده است (طهرانی، آقابزرگ، ص ۳۱۰ به بعد).

ریشه‌های فکری سیدجمال به سادگی قابل استنباط نیست. این ریشه‌ها حالتی سست و سطحی ندارند و آنها را تمایزی آشکار با برخی دعوت‌هایی اصلاحی است که پیش و پس از او در گوشه و کنار جهان اسلام پدید آمدند. سید با آرای فلسفی و کلامی دانشمندان اسلامی از ابن سینا و فارابی تا خواجه نصیرالدین طوسی آشنا بود. اشارات ابن سینا، حکمة العین کاتبی، حکمة الاشراق شیخ شهاب‌الدین سهروردی، تذکره خواجه نصیرالدین طوسی در هیئت و نجوم، و شرح قطب‌الدین محمد رازی بر شمسیه نجم‌الدین ۱. این نوشتار سر قهرمان‌سازی، که عادت است ناپسند، ندارد. نگارنده معتقد است که هم‌زمان با سیدجمال و قریب به عصر او نیز برخی زمزمه‌های حرکت و اصلاح از اطراف و اکناف سرزمین‌های اسلامی قابل شنیدن بود (ر. ک: دکمچیان، هر ایر، اسلام در انقلاب (جنبش‌های اسلامی در جهان عرب)، ص ۲۲)، اما کسی که در هر سه موضوع: «بازگشت به قرآن، بیداری و بین‌المللی اسلامی» نقشی بارز و بی‌مانند داشت، به شرحی که خواهد آمد، جز سیدجمال‌الدین اسدآبادی نبود.

عمر قزوینی در منطق را تدریس کرده و بر شرح‌الدوائی للعقائد العنصدیة تعلیقه زده بود.^۱ السعادة و الاسعاد عامری، اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین، مقدمه ابن‌خلدون، احیاء علوم الدین و المنقذ من الضلال ابوحامد غزالی را به دقت مطالعه کرده بود. با دعوت‌های اصلاحی عمده تاریخ ایران و اسلام، نظیر حرکت ابوحامد غزالی بر ضد فلسفه و سیطره اندیشه یونانی بر حکمت و اخلاق اسلامی و دعوت ابن تیمیه آشنایی داشت. در فلسفه تاریخ تمدن اسلام و شناخت اوضاع و احوال مسلمانان عصر خود متبحر بود. مطالعات فراوان و مستمری داشت و تقریباً کتابی در ادبیات ملل و فلسفه اخلاق امم نبود که مطالعه نکرده باشد (موتقی، سید احمد، ص ۱۲). او با فلسفه غرب و فلسفه جدید و نیز طب، تشریح، هیئت و نجوم نیز آشنا بود. ریاضیات جدید را می‌دانست و آن را به مدد استعداد سرشار، هنگام سفر به هند که یک سال و چند ماه به طول انجامید، فراگرفت. وی در علوم نقلی نیز اطلاعات گسترده‌ای داشت و با چندین زبان زنده دنیا آشنا بود. سال‌ها در عراق از دانش فقهی و اصولی شیخ مرتضی انصاری و نیز عرفان عارف و فیلسوف بزرگ ملاحسینقلی همدانی بهره برده بود (مطهری، مرتضی، ص ۲۴). در میان این همه، مهم‌ترین ویژگی سیدجمال، همان بُعد و شخصیت قرآنی او بود.

روش قرآنی سیدجمال

سید درد جامعه اسلامی را می‌دید و درمان آن را در دفتر دروس مصطلح نمی‌یافت. او چاره کار را یک چیز می‌دید: بازگشت به مرجعیت قرآن. او مرجعیت قرآن را نیز با مطالعه و تدریس تفاسیر موجود امکان‌پذیر نمی‌یافت. تفاسیر موجود با تمام ارزش آنها برای امت اسلامی، با آن سبک و سیاق، به کار اصلاح امت و پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی او نمی‌توانستند آمد. وی می‌گفت: انبوه تفاسیری که محدثان، فقها، متکلمان، فلاسفه و نیز ادبا

۱. شرح جلال‌الدین محمدبن اسعد صدیق دوانی (۸۱۳-۹۱۸ ق) بر کتاب عقائد عضدالدین ایچی، اثر فلسفی پر حجم و بااهمیتی در بررسی علوم الهی و صفات او از دیدگاه نحله‌های مختلف اسلامی است. این کتاب ابتدا در سال ۱۳۲۳ قمری در مصر به چاپ رسید و در «مؤسسه عیسی البانی الحلبی» سال ۱۹۵۸ میلادی تجدید چاپ شد. تا آن تاریخ، کتاب دیگری در رشته مزبور به اهمیت این کتاب به چاپ نرسیده بود. (الافتانی اسدآبادی، جمال‌الدین، الآثار الکامله، ص ۱۵۳).

و متصوفه بر قرآن کریم نوشته اند، داد سخن را نداده و گره از کار فرو بسته امت نگشوده اند. این مصلح مجدد، به مدد تزلّج علمی و احاطه به علوم معقول و منقول از یکسو و آگاهی از قضایای سیاسی و علمی زمان خود، سکوت تفاسیر قرآنی موجود را برابر چالش های جدید زمان و ناکارآمدی آنها را در محافظت از عزت و کین امت اسلامی در مقابل هیولای استعمار، بیش از هر کس دیگری درک کرد. او همواره تکرار می کرد که کتابخانه، آرامگاه علوم است و علم زنده، بلکه قرآن واقعی و زنده، تنها آن چیزی است که از دل و زبان مردم زنده درمی آید و در دل مردم زنده دل و عامل به آن قرار می گیرد. او بر همین اساس معتقد بود که قرآن مجید همچنان تازه و بکر مانده و تفسیر نشده است. به عبارت دیگر، مفسران در طول تاریخ، قرآن را از لحاظ صرف، نحو، فصاحت و بلاغت و احکام فقهی معنا نموده اند، ولی فلسفه عقلی و سیاست اسلامی، قواعد اجتماعی و اصول و عوامل خوشبختی دو جهان را از آن بیرون نکشیده و بر جوامع اسلامی عرضه نداشته اند (مدرسی چهاردهی، سیدمرتضی، ص ۱۳۴، ۱۶۷، ۱۷۶، ۲۰۸).

خطابه های قرآنی سیدجمال

قوت سید پس از تربیت قرآنی، همان قدرت خطابه او بود. سید در سخن گفتن صریح اللهجه و بسیار بی محابا بود. بیانی داشت روشن و شیوا و گوارا. گاه چهار ساعت مداوم در اتاقی سخن می گفت بی آنکه از گفتار او ملالی پدید آید. ذهن وقاد سیدجمال به برکت قرآن دانی او، استاد خلاقیت و ابداع بود و این قرآن دانی، او را روحی توانا، شخصیتی قوی و دیدگانی با بصیرت و نافذ بخشیده بود. حتی برخی از قوت نفوذ چشمان او به قوه مغناطیس تعبیر کرده اند، بدیهی است که این مغناطیس، چیزی جز همان جذبه و کشش قرآنی او نبود. در صورت جلسه پانزدهم انجمن ملی قاهره چنین آمده است:

سید استاد بر کرسی خطابه رفته، گفت:

«بار الها گفته تو است: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت / ۶۹) و از آنجا که دعوت من و اجابت این نفوس زکيه خالصاً لوجهک الکریم بود، مرا به موجب گفته حق خود، به سبیل عدالت راهنمایی فرمودی. آقایان! مدینه فاضله انسانی و صراط مستقیم سعادت بشری قرآن است. گرامی دستور مقدس که نتیجه شرافت کل ادیان حقه عالم و برهان قاطع

خاتمیت مطلقه دین اسلام الی یوم القیامه و ضامن سعادت دارین و فوز نشأتین است، [همین کتاب است، اما] آه! آه! چه سان از فرط غفلت مهجور شده. گرامی دستور مقدس که مختصر شراره ای از قیسات انوار مضمیته اش، عالم قدیم و دنیای جدید را از آن حقارت به این تمدن رسانید، آه! آه! چه سان فواید امروز آن از فرط جهل و غفلت، منحصر در امور ذیل شده است:

تلاوت بالای قبور در شب های جمعه، مشغولیت صائمین، زباله مساجد، کفاره گناه، بازیچه مکتب چشم زخم، نظر قربانی، قسم دروغ، مایه گدایی، زینت قنّاق، سینه بند عروس، بازوبند نانوا، گردن بند بچه ها، حمایل مسافران، انتقال اسباب، حرز زورخانه کار، مال التجاره روسیه و هند، سرمایه کتابفروش ها، سرمایه گدایی زنان بی تقوا و مردان بی سروپا در معابر.

وا اسفا! یک سوره والعصر که سه آیه بیش نیست، اساس نهضت اصحاب صفه گردید که از فیض مقدس همین مختصر سوره مبارکه، شرکزار بتخانه مکه را بستان وحدت و یزدان خانه بطحا نمودند. این کتاب مقدس آسمانی، این گرامی تصنیف حضرت سبحانی، این مایه کل سعادت انسانی، امروز از دیوان سعدی و حافظ و مولوی و ابن فارض کمتر محل اعتنا و مورد اهتمام است و کمتر، در هر مواعظ و معانی عرشی و فرشی از او استفاده می کنند. اما بر عکس، اگر در جمعی، یکی از منسوجات شعریه خوانده شود، نفس ها از ته دل کشیده، گوش ها و ذهن ها برای آن باز ماند، اما قرآن هرگز در هیچ جا یا قیل و قال و فکر کسی مزاحم نخواهد بود.

إِی وَحَقِّكَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيهِمْ انفسهم؛ تو را فراموش کردیم تو هم آینه قلوب ما را از انعکاس توفیق ذکر حقایق و ذکر مقدسات محروم نمودی. سبحانک اللهم انت القائل و قولک الحقُّ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِانفُسِهِمْ... (رعد / ۱۱).^۲

۱. در عصر سید جمال، در عوض آنکه به شیوه زمان رسول اکرم (ص) «حمّله» و «معلمان قرآن»، به امصار و نواخی رفته، قرآن را حضوری و رودررو تعلیم دهند، این مصاحف بوده اند که به این سو و آن سو ارسال می شده اند.

۲. این آیه، پس از تعالیم سیدجمال، شمار نهضت های آزادی بخش شمال آفریقا شد.

سید استاد در ادامه، خطبه‌ای غراً به عربی، برگرفته از آیات و روایات خواند و از منبر پایین آمد؛ در حالی که هیچ‌یک از اعضا حال طبیعی نداشتند، بلکه برخی نیز از حال رفته بودند. در انجمن، حالت شیون و غشوه حکم فرما بود و داماد خدیو مصر که در جلسه حاضر بود، اعضا را با عطریات به حال آورد (ر. ک: جمالی اسدآبادی، ابوالحسن، ۱۳۵۵، ص ۱۶۹ و ۱۷۰).

بسیاری از اوقات، مستمعان سید از ذکر مصیبت او در باره جهان اسلام و امت اسلامی، به گریه می افتادند. او در این گونه مواقع خطاب به افراد نهیب می زد: پیرزن‌ها بهتر از شما ناله و شیون می کنند. جهان جای مویه و زاری نیست، بلکه این دنیا سراسر لعب است و بازی، هر که بُرد، بُرد!

جدا از قوت بیان، قدرت قلم سید نیز ارزنده و بالا بود. این موضوع از مکتوباتی هرچند غیر حجیم اما نغز و پرمغز که از وی بر جا مانده، هویدا است. همچنین مقالات او در نشریه عروة الوثقی. عنوان این نشریه، برگرفته از متن قرآن کریم و دارای اشاره تمسک به قرآن و اعتصام به حبل متین الهی بود و متن آن، مشحون از آیات قرآنی و استدلالات آن بود. نشریه عروة الوثقی اولین کوشش از نوع جدید بود که در آن یک مسلمان فرهیخته برای مخاطبان مسلمان با ملیت‌های گوناگون قلم می زد، بلکه از آن بالاتر، یک مفسر به نص قرآنی برای اندیشه‌های سیاسی استشهداد و استناد می کرد (الاوسی، علی، ص ۱۱۳) و بازتاب سخن شخصیتی بود که بیش از یک قرن پیش، به گفته مالک بن نبی، جرئت یافته بود تا از «وظیفه اجتماعی پیامبران» سخن بگوید (ابن نبی، مالک، ص ۵۰).

برداشت‌های اجتماعی سیدجمال از قرآن کریم و داشتن آن دید تازه به آیات قرآن، جدا از مقالات مزبور، در بسیاری از سخنان، استشهادات، نوشته‌ها و نامه‌های وی دیده می شود.^۱ او بین ناپارسائی مسلمانان و اساس دینشان تفکیک و اعلام می کرد: اسلام آن چیزی نیست که اغلب در آینه پاره‌ای احکام فردی و در زندگی آحاد مسلمانان در جوامع افسرده و پژمرده اسلامی به چشم می آید؛ بلکه این آیین، چیزی است که در قرآن و رسول اسلام (ص) تجلی یافته است. او تصمیم گرفت قرآن را با رویکردی جدید و حرکت آفرین معرفی و عرضه کند. روش سیدجمال در استنباط، دیدگان مخاطبان مشتاق ۱. برای آگاهی از نامه‌های مختلف او ر. ک: نامه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، به اهتمام سیدهادی خسروشاهی.

و علما و دیگر طبقات مصری و غیرمصری او را در دیار مصر به آفاق قرآنی تازه‌ای گشود. بیان او قوی بود و افکار وی تازه و بلند. بیان او عقول آنان را در خصوص مسئولیت‌های دینی و اجتماعی به چالش می کشید و به آن حساسیت و حس مسئولیت می بخشید.

۲. محمد عبده

شیخ محمد عبده که بعدها شیخ الازهر و بالاترین مقام دینی مصر شد، در رأس مخاطبان سیدجمال در مصر است. او اولین کسی است که به القای دروس منظم تفسیری به روشی که از سید فرا گرفته بود، پرداخت و با بهره‌گیری از نظریات سیدجمال و با اندوخته و تجربه قرآنی خود، آغازگر عملی مکتب «رویکرد اجتماعی به قرآن کریم» در عصر اخیر شناخته شد. او خود از کودکی با تربیت قرآنی سر و کار یافته و در عین حال، طعم تلخ نارسایی‌های زاینده از فراق قرآن را چشیده بود. وی به خوبی می دانست نبود ارتباط واقعی و طبیعی میان نیازهای یک جوان مسلمان و آنچه با نام قرآن و علم قرآن به وی داده می شود، چیست و این بی‌ربطی، چه خساراتی را به روح آحاد جامعه اسلامی می تواند وارد کند. او می دانست قرآنی که پیامبر اکرم (ص) به مردم تعلیم داد و در اندک زمانی راه خود را سینه مردم و از آنجا به اقطار جهان گشود، با قرآنی که در آن زمان در الازهر و مسجد الاحمدی قاهره و مانند آن به مردم تعلیم داده می شد، تنها از نظر ظاهر یکی بود، اما در حقیقت این دو قرآن، تفاوت‌های زیادی با هم داشتند. تفاوت‌هایی از نوع قرآن زنده و غیرزنده، قرآن گنگ و گویا، قرآنی که خود، «تبیان» است و قرآنی که نیازمند سخن و «تفسیر» دیگران است. او گم‌شده خود را در وجود سیدجمال یافت و پس از حصول آشنایی، نزد او به فراگیری دروس قرآن و علوم دیگر پرداخت (اسدآبادی، لطف‌الله، ص ۱۰۵ و ۲۸).

عبده همچنین کوشید تا در تفسیر خود بین اسلام و نظریات جدید وفق دهد. با تأثر از آرای سیدجمال، به تقدروش مرسوم در امر تفسیر پرداخت و برای اولین بار در مقام یک عالم ازهری فرو رفتن در مباحث مربوط به اعجاز قرآن - به معنای مصطلح - را یک مانع و نارسایی شمرد. قرآن را سیستمی زنده، یک پارچه و برخوردار از شمول و جریانی دائمی می دید و به همین سبب، اموری مانند شناخت اسباب نزول آیات و سوره را امری محدودکننده قرآن می شمرد؛ امری که مسبب پراکنده‌بینی آیات قرآن و در نتیجه،

بیگانه با روح آن بود (گلدزیهر، ایگناس، ص ۳۱۴ و ۲۹۹).

تقریر و تحریر دروس عبده را شاگرد وی سیدمحمد رشیدرضا صورت داد و از این رهگذر تفسیر المنار پدید آمد. این تفسیر شاخص، در جهات متعدد از راهنمایی‌های مستقیم و غیرمستقیم سیدجمال اثر گرفته بود. نگارش این اثر پس از پیشنهاد عبده به رشیدرضا مبنی بر نگارش تفسیری بود که در آن از روح و روشنایی عروة الوثقی دمیده شده باشد (رشیدرضا، سیدمحمد، ج ۱، ص ۱۰-۱۲). آنچه به تدریج در نشریه المنار آمد، مدتی بعد در مجموعه‌ای با همان نام المنار منتشر شد.

رشیدرضا در مقدمه این تفسیر می‌گوید که در آغاز دارای گرایش‌های زاهدانه بوده، قرآن را به قصد ثواب می‌خوانده و مردمان را به همین امر ترغیب می‌نموده است، اما طرز تلقی سیدجمال و عبده از آیات قرآنی - که او ابتدا آنها را در جریده عروة الوثقی یافته، وی را تحت تأثیر قرار داده است. تلقی و برداشتی که در هیچ‌یک از شیوه‌های تفسیری سلف یافت نمی‌شده و از اعاده مجد و عظمت به جامعه اسلامی و مقابله با استعمار و نیز از اصلاح اجتماعی مسلمانان سخن می‌گفته است (همان).

او می‌افزاید از بخت بد مسلمانان، اکثر آنچه در کتب تفسیر آمده، مباحث اعراب و قواعد و جدلیات و استخراجات و استنباطات اصولیان و نیز تأویلات متصوفه و تعصّب فرق و مذاهب و روایات آمیخته با خرافات اسرائیلی است و این همه، خواننده‌ها را از آنچه هدف نزول قرآن است باز می‌دارد (همان، ص ۵).

۳. سید قطب

پیدایش زمینه تفسیر اجتماعی، تفاسیر متعدد دیگر را پس از المنار در مصر و سپس ایران و برخی اقطار اسلامی رقم زد.^۱ از آن پس بود که نگاه‌های گره‌خورده با واقعیات اجتماعی، راه خود را در برخی از تفاسیر نگاشته شده در مصر و ایران گشودند. تفسیر

۱. تفسیر اجتماعی را سید جمال در مصر پدید آورد. این سبک سپس به ایران آمد و در این سرزمین بالید. در عراق و لبنان و تونس نیز این تفسیر تا حدی مجال خود را یافت اما در پاره‌ای از کشورهای عربی و اسلامی که باب اجتهاد و تدبر صحیح در آنها مسدود است، هرگز زمینه‌ای برای بروز و رشد نیافت و تا امروز نیز ورود برخی تفاسیر معتبر اهل سنت که دارای صبغه اجتماعی اند؛ به آنها ممنوع است.

فی ظلال القرآن، نمونه‌ای شاخص و ممتاز در این باب است.

بخش مهمی از تفسیر فی ظلال القرآن در زندان نگاشته شد، آن هم به قلم کسی که از کودکی با قرآن زندگی کرده و روشنایی و حرارت قرآن را با جسم و جان خود چشیده بود (ر. ک: قطب، سید، ص ۱۰-۲۵). سیدقطب در زندان به تفسیر برخی سوره‌های قرآن پرداخته و معتقد بود که قرآن فقط با قرآن، قابل توضیح است و هرگونه تفسیر فلسفی و تاریخی خارج از قرآن مردود است. محدودیت زندان، در عین حال، موجب عدم دسترسی مؤلف به منابع گونه‌گون و روی‌آوری هر چه بیشتر او به نص قرآنی و بهره‌برداری مستقیم از آن گردید.

نگرش و نگارش تفسیر فی ظلال القرآن در مقایسه با تفاسیر پیش از خود، نگاهی زنده و سرشار از تعهد به انسان و سرنوشت اجتماعی و امروزین او است. سیدقطب به قرآن با نگاهی هنرمندانه و با توجه به ابعاد مختلف هنری آن نظیر نظم‌آهنگ و تصویرآفرینی‌های هنری می‌نگرد. او بسیاری از آیات و سوره‌ها را یک کارگاه کامل نگارگری یا یک صحنه واقعی می‌بیند. سیدقطب آیات را به مثابه یک هنرمند متخصص و یک ناقد هنری و زیبایی‌شناس به نظاره می‌نشیند. وی خواننده را در مشاهدات و بررسی‌های هنری خویش شریک می‌سازد و او را به مثابه راهنمای یک اثر سترگ علمی و هنری در بستر زیبایی‌هایی که می‌بیند، سیر می‌دهد. او آیات فراوانی را از جنبه‌های هنری با یکدیگر و گاه با تمامی آیات قرآن کریم مقایسه می‌کند. آیات را در بستر زمان و مکان جاری و ساری می‌بیند و آنها را در قیود وضع شده در اغلب تفاسیر سنتی، محصور نمی‌سازد.

۴. آیت‌الله سید محمود طالقانی

تقریباً همزمان با نگارش تفسیر فی ظلال القرآن، در ایران تفسیری شکل می‌گرفت که از جهات متعدد با تفسیر مزبور دارای همانندی بود: تفسیر پرتوی از قرآن. هریک از این دو تفسیر، بر خلاف نام‌ها و عناوین پرمطراق برخی تفاسیر پیشین، دارای نامی متواضع‌اند. یکی در صدد است تا از قرآن پرتوی بگیرد^۱ و دیگری، لختی در سایه‌سار و

۱. طالقانی در مقدمه پرتوی از قرآن می‌گوید: آنچه در پیرامون آیات و از نظر هدایت قرآن نگارش می‌یابد، عنوان تفسیر (برده‌برداری) ندارد و به حساب مقصود نهایی قرآن نیست؛ زیرا آنچه به عنوان «تفسیر قرآن» نوشته می‌شود، محدود به فکر و معلومات مفسرین است.

ظلّ ظلیل آن بیاساید و جسم و جان خود را طراوت بدهد. بخش های قابل توجهی از هر دو تفسیر در زندان نگاشته شدند و این امر خود موجب بازگشت هر چه بیشتر مؤلفان به قرآن و مرجعیت آن بود. آیت الله طالقانی نیز مانند سید قطب نگاهی هنرمندانه به آیات قرآنی دارد و ابعاد هنری و نیز موسیقی آیات و سوره را مد توجه قرار می دهد (ر. ک: قطب، سید، ج ۸، ص ۶۴۳، ۶۹۹ و ۷۰۰).^۱ هر دو از انسان حاضر در صحنه اجتماع سخن می گویند و تک تک مواظ و قصص قرآن را با زندگی روزمره او مرتبط می یابند و این ارتباط را برای خواننده تبیین می کنند.

آیت الله طالقانی تفسیر را در سال ۱۳۱۸ پس از آزادی از حبس رضاشاه در مسجدی در قنات آباد تهران آغاز کرد. او خود گفت که جدا از داشتن دشمنی همچون دستگاه سلطنت، بیشترین حمله و هجوم را از سوی قشربون خشک مذهبی دریافت کرد. آنان می گفتند: قرآن تنها برای خواندن است و کسی حق تفسیر آن را ندارد.

هر چند نگارش تفسیر پرتوی از قرآن در زندان انجام گرفت، اما هسته اصلی اندیشه طالقانی و برداشت های قرآنی او، همان دروس تفسیر قرآن کریم در مسجد هدایت تهران بود.^۲ طالقانی می گوید: بسیاری از برداشت های قرآنی تنها در مجالس درس و هنگام نظر افکندن در نگاه جوانان علاقه مند و مشتاق به نظرم می رسیدند. در واقع سرزندگی مطالب تفسیر طالقانی، زاینده همین امر است که این تفسیر در متن و بطن جامعه، آن هم جامعه جوان مشتاق و بیان رو در رو با آنان شکل گرفته است. پرتو تفسیری نیست که بر اساس فروض مجرد و تصوراتی انتزاعی در کنج خانه یا کتابخانه ای پدید آمده باشد.

۱. سید قطب در زمینه آفرینش هنری قرآن مجید دست به نگارش کتاب مستقل *التصویر الفنی فی القرآن* زد که ابداعی بارز و بی نظیر است. برای آگاهی از برخی دقت های هنری او ر. ک: *التصویر الفنی فی القرآن*، ص ۱۶، ۲۴ و ۲۷. نگارنده دیدگاه های طالقانی و سید قطب را در خصوص نظم آهنگ قرآن کریم در سه مقاله مورد توجه قرار داده و از آنها بهره گرفته است (ر. ک: «جستارهایی در زمینه نظم آهنگ قرآن کریم (۳ و ۲ و ۱)»، بینات، ش ۲۰، زمستان ۱۳۷۷؛ شماره ۲۵، بهار ۱۳۷۹؛ شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۱).

۲. همان گونه که دروس تفسیری سیدجمال و نیز دروس عبده، از متن تدریس و بیان قرآن برای مشتاقان جامعه برآمده بودند.

آیت الله طالقانی در پرتوی از قرآن اصلاح جامعه را رهن تربیت تدریجی و پرورش فرهنگی می داند و همواره از روح، فطرت، پاکی و روشنایی - که در اندیشه ایرانیان، پیشینه و جایگاهی چند هزار ساله دارند - سخن می گوید. طالقانی را دلدادگی خاصی به مقوله های «فکر، فطرت، و آزادی عقل و روح» است و همواره موضعی شاخص برابر «اوهام، خرافات، تیرگی ها»... دارد. تقریباً هیچ صفحه ای از صفحات این تفسیر ارزشمند نیست که از یکی از این مضامین خالی باشد. دل بستگی طالقانی به مفاهیمی چون: «امت، قوام، قیام و قسط» نیز حساسی جداگانه دارد.

از مشخصات بارز تفسیر طالقانی تخصیص بخش مستقلی از این تفسیر غیر کامل به جزء سی ام قرآن کریم است. هدف طالقانی این بود که «قرآن در صحنه» باشد و به صحنه بیاید. طالقانی عقیده داشت همین آیات بودند که جامعه اسلامی را ساخته و عقل «بشر نخستین اسلامی» را شکل بخشیده بودند. حال می بایست به همین آیات پرداخت و نخستین سنگ های بنا را برای شکل دادن به شاکله روح بشر با همین مصالح بهیشتی چید. طالقانی منتظر نماند تا به داب معمول مفسران، به ترتیب اجزای قرآن، به جزء سی ام برسد. اگر چنین می کرد، عمر وی نیز کفاف این کار و انتظار را نمی داد و آن مقصود مهم نیز محقق نمی شد.

آیت الله طالقانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی امام (ره) ریاست شورای انقلاب را برعهده داشت و در همان مدت کوتاه به طرح دیدگاه هایی پرداخت که همه برگرفته از قرآن کریم بودند. به عنوان مثال، در سال ۱۳۵۸ که گروه ها و افراد مختلف هر یک به نحوی از سهم خود در امر حکومت و مدیریت کشور سخن می گفتند، او در هشتمین جلسه «با قرآن در صحنه» در سخنانی که زیرلایه اش را آیات آغازین سوره نازعات تشکیل می داد، گفت: آن کسانی که «نزوع» کردند، حرکت کردند و از جان خود گذشتند، باید «مدبر» امر باشند.

جدا از پرتوی از قرآن تقریباً هیچ سخن یا نوشته دیگری از آیت الله طالقانی وجود ندارد، مگر اینکه محور سخن و مبدأ و معاد کلام، قرآن است و قرآن. چند خطبه ای نیز که او در نماز جمعه میلیونی تهران در سال ۱۳۵۸ ایراد نمود، برخوردار از همین حالت اند.

در میان برداشت های خاص طالقانی از آیات قرآن کریم، می توان به برداشت او از «هبوط» در آیه ۶۱ سوره بقره، اشاره کرد. او این «هبوط» را صورتی دیگر از هبوط آدم

می‌داند که در آیه‌های ۳۶ و ۳۸ همین سوره ذکر شده است. به نوع انسان پس از آن هبوط نخستین، فرصتی دیگر داده می‌شود، اما در این مرحله نیز فاقد استواری و ثبات قدم است و عهد خود را با خدا، پس از مشاهده آن همه آیات - آن هم بر سر سیر و پیاز - زیر پا می‌نهد. این است که برای بار دوم، امر «هبوط» و سقوط متوجه او می‌گردد و این هبوط دوم، فرار از طبیعت، فطرت و استقلال است و آغاز مرحله شهرنشینی. مرحله‌ای بر اساس شهوت و تأمین لذات و آغاز زندگی انگلی توأم با تفنن، شکم‌بارگی و شیوع تنبلی، بیماری‌ها و خلیقات ناشی از آن همانند تقلید و مصرف‌گرایی. او این «هبوط» را مقابل زندگی طبیعی و فطری انسان و هوشیاری و برخورداری او از تمام مواهب طبیعی - که قبل از چنین هبوطی داشته است - قرار می‌دهد. به عقیده وی، همین خوی تقلید و سبک‌سری است که رها کردن شعائر و نوامیس دین و روی آوری به تقلید دیگران یا همان بوزینه‌شدن مذکور در خصوص بنی اسرائیل را موجب می‌گردد. در صورت وقوع چنین حالتی، هیچ‌یک از تربیت‌های غیردینی و ملی‌گرایانه^۱ نیز برای انسان سودی نخواهد داشت.

همچنین، ذکر داستان «ذبح گاو» در سوره موسوم به همین جاندار را پس از آیات مربوط به شهرنشینی، نمود و نمادی از پرستش شهوات و عبادت طاغوت می‌شمارد؛ پرستشی که پس از آن شیوه زندگی دامنگیر انسان گردیده و او موظف است با ذبح گاو، ریشه آن شهوات را از دل خود برکند. وی با استشهاد به مسئله گاوپرستی نزد دیگر ملل دنیا از مصر باستان تا کنون، داستان ذبح گاو را دارای ابعاد وسیع می‌شمارد و هرگز آن را در داستان معروف آن جوان اسرائیلی و یا داستان زنده کردن یک مرده که در نزاعی محدود به قتل رسیده است، محصور نمی‌سازد.^۲

این تفسیر این گونه آغاز می‌شود:

قرآن!

نزول آن از عالم اعلای قدرت، ظهور آن در حلیه عباراتی برتر از بلاغت، و

۱. همچنان که در متن فوق می‌بینیم، برخلاف آنچه گاهی در خصوص آیت الله طالقانی گفته می‌شود، او هرگز یک «ملی‌گرا» نبود. طالقانی ایران را دوست داشت، اما برای ملی‌گرایی، هیچ اصالت و هویت مستقلی برابر اسلام، قائل نبود و در جاهای مختلف به این موضوع تصریح می‌کرد (ر. ک: ص ۴۷).

۲. ر. ک: طالقانی، سید محمود، ج ۱، ص ۱۹۲.

تأثیر حکیمانه آن در هدایت، بسی شگفت‌انگیز و خیره‌کننده است. کتابی که پرتو هدایت آن، زوایای روح و فکر و نفسیات و روابط حدود و حقوق خلق را با یکدیگر و همه را با خالق و اعمال را با نتایج روشن ساخت و نفوس را رو به صلاح و اصلاح پیش برد و استعدادهای خفته را بیدار کرد و به جنبش آورد. اندیشه‌ها را فرا آورد. و جلوی دیدها را باز کرد. تاریکی اوهام و وحشت‌ها و کینه‌ها را از میان برد. بندهایی که در قرون ممتد جاهلیت، عقل‌ها و اندیشه‌ها و دست‌ها را بسته بود و نفوس خلق را به بندگی غیر خدا درآورده بود، گسیخت. راه‌های قانونی بهره‌برداری از لذات مادی و معنوی را به روی همه باز کرد. با از میان بردن اوهام و عصیبت‌ها، عناصر گوناگون ناجور و ناهموار را با هم جور و متحد ساخت و از آنان مجتمع قوی و محکمی به پا داشت تا با قدم‌های استوار و ضمائر بیدار و زبان‌هایی که بانگ آزادی‌بخش تکبیر از آنها برمی‌خاست و دست‌هایی که قانون عمومی حیات و سایه رحمت و شهپر عزت را حمل می‌کرد و پنجه‌های آهنینی که شمشیر درخشان عدل را برمی‌داشت به سوی جهان از هم گسیخته و نظامات منحط و سرزمین‌های ظلم و جور پیش‌رفتند و در زمانی کوتاه پرده‌های ضخیم و شرک و اشباح قدرت‌ها را از جلو دیدگان مردم ستم‌کشیده و وحشت‌زده برداشتند. بانگ تکبیر و توحید را بالای سر سرکش‌ترین کاخ‌های بت‌سازان و معابد اوهام و کمین‌گاه کاهنان سردادند... (همان، ص ۲ با تلخیص).

روشن است که این گونه گفتن و نوشتن در دهه‌های بیست تا چهل در ایران، چگونه آثاری برجای می‌نهد و چه نسلی پای این سخنان تربیت می‌یافت (همان، ج ۱، ص ۲۰).^۱ پرتو خود یک منشور قرآنی و تفصیل حرکت بین‌الادیانی، بین‌المللی اسلامی و نیز برنامه‌ای دست‌کم مقدماتی برای تشکیل جامعه‌ای اسلامی در عصری است که کسی گمان برافتادن حکومت طاغوت را در ایران نمی‌برد. این اثر در جاهای مناسب، نسبت به خطرات و آفات نهضت و حرکت اسلامی هشدار می‌دهد.

۱. برای بررسی برخی نمونه‌های نثر طالقانی و دیدگاه‌های جدید او ر. ک: طالقانی، سید محمود،

ج ۱، ص ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۸، ۱۹۳، ۱۹۷ و ج ۲، ص ۲۵۱ و ۲۵۳.

نقمه علامه طباطبایی و تفسیر میزان در رویکرد عصری و اجتماعی به قرآن کریم غنی از ذکر در این سخن فشرده است.

علامه طباطبایی ابتدا تدریس مباحث قرآنی و تفسیری را که سرشار از نکات بدیع علمی بود، برای گروهی از شاگردان خود آغاز کرد و بر اثر اصرار آنان بود که به تدوین آن مباحث اقدام کرد. او جدا از اثر برتری که در مکتب تفسیر اجتماعی از خود برجای نهاد، اشراف خوبی بر آثار مفسران عصری و نویسندگان معاصر مصر داشت. او در میزان، در مواضع گوناگون به خطا و اشتباه آنان بدون ذکر نام می‌پردازد و آنها را نقد و تصحیح می‌کند.

علامه بیه از اندیشمندان دینی معاصر خود در زمینه مسائل اجتماعی و سیاسی، حساس و صاحب‌نظر است و میزان اولین و تنها تفسیر مفصلی است که در خود مباحث سیاسی و اجتماعی را در مواضع و مواضع گوناگون جای داده است. او فصل‌های مستقلی را با عناوینی چون «بحث اجتماعی» گشوده و دین را طریقه‌ای اجتماعی شناسانده است. به مباحثی چون مدنی و اجتماعی بودن انسان، فطری بودن نیاز او به زندگی اجتماعی و نظام اجتماعی می‌پردازد و از طریقه تحول و تکامل در جامعه اسلامی و روابط اجتماعی دوطرفه در اسلام در ضوء آیات قرآن، سخن می‌گوید. او ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره از عدالت اجتماعی و مقتضیات اولیه طبیعت انسان و مسائلی چون ضرورت رعایت عدالت و تساوی حقوق افراد و ضرورت نهضت و انقلاب برای زوال بی‌عدالتی‌های اجتماعی می‌گوید. آن‌گاه از «دموکراسی» بحث می‌کند و تفاوت آن را با طریقه اسلامی تبیین می‌نماید.

در این تفسیر، مباحث و گفتارهایی متعدد را مرتبط با تاریخ و اندیشه‌های سیاسی و نیز رویدادهای معاصر نظیر جنگ جهانی و ظهور سوسیالیسم می‌توان دید^۱ بیان این بحث، با حفظ تناسب آنها با آیات قرآنی و به شکل مستند و نیز بدون گرایم به آکندن تفسیر از آنها است.

۱. ر. ک: میزان، ج ۱، ص ۳۳۷؛ ج ۲، ص ۱۱۷؛ ج ۴، ص ۹۲، ۱۱۷، ۱۲۲، ۳۳۷؛ ج ۴، ص ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۶۵.

امام خمینی (ره) خود داعی بازگشت به قرآن کریم و بهره‌گیری از آن در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، علمی و بلکه «همه چیز» از قرآن کریم است. او نیز مانند سیدجمال، هیچ «ترجمه» و «تفسیر» مکتوبی را از قرآن مجید به معنای مصطلح از خود بر جای نهاد، حتی تفسیر شفاهی سوره حمد او نیز به علی ناتمام ماند، اما همین تفسیر و دیگر برداشت‌های تفسیری او در اسرار الصلوة، چهل حدیث و آثار دیگر و در نهایت، وصیت‌نامه، عمق بهره‌مندی او را از سرچشمه کلام الله مجید نشان می‌دهد. از همه بالاتر، تأثیر عملی حرکت او در اقبال نسل‌ها به قرآن کریم و استقبال از آن بود. نقد عمر او تأثیری بی‌مانند را در امر بازگشت به قرآن کریم بر جای نهاد. انقلاب اسلامی که به رهبری او به پیروزی رسید، نقش آشکاری در روی‌آوری اجتماعی به قرآن کریم نزد مسلمانان ایران و جهان داشت. او به هدف بلند خود در امر بازگشت به قرآن، این‌گونه اشاره و بدان، مباحثات می‌کند:

ما مفتخریم و ملت عزیز سر تا پا متعهد به اسلام و قرآن، مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی را که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به‌عنوان بزرگترین نسخه نجات‌دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند، نجات دهد. و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا (ص) مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده و امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب این بنده را شده از تمام قیود، مأمور‌ها کردن بشر از تمام اغلال و بردگی‌ها است... و ما امروز مفتخریم، که می‌خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقشار مختلفه ملت ما در این راه بزرگ سرنوشت‌ساز سر از پا نشناخته، جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می‌کنند. روی‌آوری به قرآن از راه چاپ و نشر قرآن‌های زیبا از سوی حکومت‌های مدعی اسلام نیست، بلکه هدف نهایی این‌گونه حکومت‌ها محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابرقدرت‌ها و نیز خارج نمودن قرآن کریم از صحنه است (خمینی، سید روح‌الله، ص ۷).

به عقیده او تفسیر قرآن کریم در اصل جز برای خدای تعالی میسر نیست؛ چون

قرآن از سوی او نازل شده و احاطه بر او امکان ندارد (خمینی، سید مصطفی، ج ۱، ص ۱۳). نگارش تفسیری سزاوار و جامع بر قرآن کریم برای انسان های عادی امکان ندارد و آنچه ما از قرآن می دانیم پرده ای از پرده های کتاب خدا است و باقی، همه محتاج تفسیر اهل عصمت است که معلّم به تعلیم رسول الله (ص) بوده اند (خمینی، سید روح الله، ص ۹۳، ۹۵). همان پیامبری که نه تنها معلم انسان بلکه به عنوان معلمی حتی برای جن و فرشتگان است (جوادی آملی، عبدالله، ص ۱۲۲). امام معتقد بود که قرآن کریم آمده تا مفسر انسان و انسانیت باشد و قبل از اینکه انسان، قرآن را تفسیر کند، او انسان را تفسیر کرده است (همان، ص ۱۲۱). او نیز مانند سیدجمال عقیده داشت که مفسران قرآن در عین حالی که زحمت های زیاد کشیده اند، دست شان از لطایف قرآن کوتاه است، نه از این باب که آنها تفسیری کرده اند، از باب اینکه عظمت قرآن بیش از این مسائل است (خمینی، سید روح الله، ج ۱۱، ص ۲۵۱). این مفسران بزرگ، عمده هم خود را صرف یکی از جهات همچون تاریخ و سبب نزول آیات و مکی و مدنی بودن آیات و سور، اختلافات قرائات و اختلافات مفسران کرده و باب تعلیمات را بر روی مردم نگشوده اند (همو، آداب الصلوة، ص ۲۱۱ - ۲۱۵). حال آنکه امر بهره‌وری از قرآن کریم باید مستقیم و همگانی و باب «تدبیر» در قرآن باید برای احاد جامعه اسلامی باز و میسر باشد. باید زمینه‌ای فراهم شود که هر مسلمان در هر آیه از آیات شریفه که تدبیر می کند مفاد آن را با حال خود تطبیق کند و نقصان خود را به واسطه آن مرتفع سازد و امراض خود را به آن شفا دهد (همان، ص ۲۱۵، ۲۲۴، ۲۸۸). اعتقاد به اختصاص فهم قرآن به مفسران و محصور و محدود ساختن معارف قرآن به هر آنچه مفسران فهمیده و نوشته اند، یکی از موانع حُجَب فهم و استفاده از قرآن کریم است که موجب عاری نمودن آن از جمیع فنون استفاده و نیز مهجور ساختن آن خواهد بود (همان، ص ۲۱۵ - ۲۲۴). قرآن کریم کتاب حرکت آفرین (همو، صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۸۲ و ۱۸۳)، سدره بیگانگان (همان، ج ۲، ص ۲۳۶ و ۲۳۷) و کتاب انسان ساز در تمامی مراحل است که انسان با آن روبه‌رو است (همان، ج ۱۶، ص ۸ و ۹) و تنها نسخه شفابخش دردهای فردی و اجتماعی می‌باشد و پیاده کردن مقاصد قرآن و سنت، هدف حکومت اسلامی و توجه به احکام سیاسی قرآن از عوامل بسیار مهم رفع مهجوریت قرآن است (همان، ج ۱۶، ص ۳۹).

بهره‌گیری از آیات حرکت آفرین قرآن، از همان بیانیه‌های آغازین او در سال ۱۳۴۱

هویدا است. او هنگام نگارش کشف الاسرار و نیز در دروس مربوط به حکومت اسلامی و ولایت فقیه در نجف به آیات «حکومتی» قرآن استناد می‌کرد که در آن زمان، روشی کاملاً جدید و تازه بود (ر. ک: خمینی، سید روح الله، کشف الاسرار، ص ۲۲۷ - ۲۲۸). وصیت‌نامه سیاسی - الهی او نیز مشحون از معارف قرآنی است. او در وصیت‌نامه، قرآن کریم را «نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری» می‌شمارد (ص ۱۵)، بارها لفظ طاغوت، طواغیت، طاغوتیان و... را در همان معانی سیاسی به کار می‌برد، در جای خود از «آخوندهای خبیث‌تر از طاغوتیان» یاد می‌کند (ص ۵) و از روحانیونی که بازی سیاست‌بازان را خورده و نیز از «آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین» و نیز روحانی‌نمایانی که «گمان ندارد موفق به توبه شوند» (ص ۴۳ و ۹) و قاطعان طریق بازگشت به قرآنند.

تاثیر بازگشت به قرآن در عرصه بین الملل اسلامی

رویکرد جدید به قرآن کریم و بازگشت به آن، تاثیر خود را در زمینه‌های مختلف از جمله اخذ بینش و اندیشه سیاسی، مبارزه جهت احقاق حقوق اجتماعی مردم و کسب عدالت نهاد. به تدریج، قرآنی که مصرف آن در امور مربوط به پس از مرگ خلاصه می‌شد، جای خود را برای اهل آن، به قرآن زندگی ساز، مسئولیت‌زا و حرکت آفرین و کتابی سپرد که بتواند به صدها میلیون مسلمان منفعل در برابر دشمن کامران و فیروز، هویتی مستقل اعطا کند. رویکردی که از مَحیای قرآن به عنوان کتابی حاوی اساس مدنیت و تنها حاکم ملل مسلمان نقاب می‌کشید و به اندیشه اسلامی، میدان حریت و جولان می‌بخشید و آن را برای نهضت‌های بیدارگر فراگیر مهیا ساخت.

چنان که اشاره شد، دیدگاه‌های قرآنی سیدجمال، چشم عبده را به دنیایی جدید گشود و عبده در واقع گم‌شده خود را در وجود سیدجمال یافت. تحول فکری پدیدآمده در عبده، گروهی از شاگردان او و در رأس آنان رشیدرضا را زیر تاثیر خود گرفت. از جمله کسانی که از رشیدرضا الهام گرفتند، حسن البنا، بنیادگذار حرکت اخوان المسلمین بود. او خود، یک معلم قرآن بود و بی‌اطلاعی مردم از اصول اسلامی او را رنج می‌داد. او می‌دانست در اوضاع پرهیاهوی مصر آن روز، راه نجات، همان بازگشت به قرآن است. بناء دارای شخصیتی نافذ و مؤثر بود. هوشی سرشار داشت. اندیشمند، گوینده و نویسنده‌ای چیره‌دست بود، بلکه شخصیت او برای مردم مشهورتر از اصولی بود که به آنها دعوت می‌کرد (الحجاجی، الامام،

ص ۶۹ به نقل از: محمد الخضر، بشیر، ص ۲۹۳). بناء بسیج کننده شمار زیادی از جوانان و مردم مصر بود. او در سال ۱۹۲۸ جنبش اخوان المسلمین را بنیاد نهاد.

از چهره‌های بارز جنبش اخوان المسلمین، شهید سید قطب است. او بر این نکته تأکید می‌کرد که روی آوردن به قرآن کریم در خواندن آن به قصد ثواب خلاصه نمی‌شود و عبادت تنها عبارت از نماز و روزه نیست، بلکه حیطة و حوزه شمولی آن از تزکیه جان و تطهیر قلوب تا لزوم ایستادگی برابر اشغالگر و ادای کامل حقوق کارگران و زحمت‌کشان جامعه و روابط خانواده‌ها را در برمی‌گیرد (اسحاق الحسینی، سید موسی، ص ۱۹ - ۶۱). به عقیده او تمامی عزت و قدرتی که مسلمانان در آغاز و پس از دوران ذلت جاهلیت به دست آوردند، تنها موهون بیدارگری قرآن کریم است. او می‌گفت در زمان کنونی نیز راه دیگری برای دست‌یابی به آن قدرت و عزت وجود ندارد. روشن است که این کلمات، امروزه برای نوجوانان ما، سخنانی عادی به‌شمار می‌روند، اما طرح آن‌ها در مصر آن دوران، یک خرق عادت سنگین و هزینه‌بردار بود.

آغاز تحولات اجتماعی

سید جمال درد اصلی جامعه بزرگ اسلامی را دوری از قرآن می‌دید که خود زاینده بینش و روش علمای سوء بود. سید پس از آن، بزرگ‌ترین درد جامعه را در بعد اجتماعی، استبداد داخلی و استعمار خارجی می‌دانست و تمام عمر خود را صرف درمان این دو درد کرد. او فعالیت سیاسی را برای مسلمانان واجب می‌دانست و از طریق نهضتی فکری و اجتماعی که میان مسلمانان پدید آورد، دردهای عمده امت را به مخاطبان خود نشان داد. او اعلام می‌داشت مستمسک دول غربی در تهاجم به ملل اسلامی و یا غارت ثروت آنان، وانمود کردن این نکته است که ممالک اسلامی به انحطاطی برگشت‌ناپذیر رسیده‌اند و توان اتکا به خود را ندارند، آنان عمل به اصول اسلام را نیز علت عقب‌ماندگی مسلمانان وانمود کردند (ر. ک: مدرسی چهاردهی، سیدمرتضی، ص ۴۱۲؛ زندگی و سفرهای سید جمال الدین اسدآبادی، ص ۲۳). سید، بین ناپارسیایی مسلمانان و اساس دین‌شان تفکیک و اعلام می‌کرد: اسلام، و پاره‌ای آداب و احکام مشوب به نقص و خرافه که در عمل اکثر مسلمانان غافل به چشم می‌آید، نیست. او سال‌ها در تبیین این حقیقت خطاب به دوست و دشمن کوشید که اسلام و قرآن، نه تنها سبب عقب‌ماندگی مسلمانان نیستند،

بلکه بین میزان تمسک امت به قرآن و سعادت آن، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد (ر. ک: اسدآبادی، لطف‌الله، ص ۴۰ - ۴۳ و ۱۰۲). او در عین حال تأکید می‌کرد که به دلیل حضور قرآن در میان مسلمانان، نیازی به گرفتار شدن آنان در فریب تشکلات غیر اسلامی نیست (اقدامی، سیدحسین، ص ۳۴ و ۳۵؛ جمالی اسدآبادی، ۱۳۴۹، ص ۱۵).

نهضت تنباکو و آهنگ جهاد شیعی

از جمله وقایع بسیار مهم در تاریخ معاصر ایران، واقعه نهضت تنباکو است. نهضت تنباکو، خیزشی تمام عیار و اولین رویارویی دستگاه دین از یک سو و سلطنت و استبداد مطلق و از ورای آن، استعمار بزرگ از سوی دیگر بود. وقایع این نهضت، عمر سیاسی ناصرالدین شاه را به پایان رسانید. پس از این، نه استعمار و نه حکومت قاجار، دیگر نتوانستند در ایران کمر راست کنند. نهضت تنباکو تأثیر انکارناپذیری بر امر مشروطیت نهاد و به مردم و نیز بیگانگان، نیروی دین و عقیده مردم را نشان داد. مشروطیت باعث شد که ایران در بیش از یک صد سال پیش (۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش / ۱۴ جمادی الآخر ۱۳۲۴ ق.) ششمین کشور جهان و اولین کشور اسلامی در داشتن قانون اساسی گردد. این اولین قانون اساسی در جهان بود که نام کلام الله مجید را در خود جای می‌داد و از لزوم مطابقت قوانین کشور با دستورات شرع و لزوم قسم شاه کشور به قرآن کریم سخن می‌گفت. بلکه مشروطیت در نهایت منجر به ریشه کن شدن سلطنت خاندان قاجار از ایران گردید.

تأثیر نهضت تنباکو بر وقایع بعدی ایران و عثمانی (چه منطقه آناتولی از حیث پیدایی جوانه‌های مشروطیت و چه منطقه عراق) آشکار است. شهر سامرا در زمان مرجعیت و ریاست میرزای شیرازی، مرکز مهم علمی برای شیعه بود. طلاب بسیاری از کشورهای ایران، شبه‌قاره هند، لبنان، مناطق حوزه خلیج فارس، منطقه آذربایجان و قفقاز در این شهر گرد آمده بودند. بیشتر این افراد، پس از رحلت میرزا، سامرا را به مقصد نجف و نیز شهر و دیار خود ترک گفتند. از جمله شاگردان میرزا، آخوند خراسانی^۱ (ر. ک: مدرسی چهاردهی، سیدمرتضی، ص ۲۶۷) و میرزا محمد حسین نائینی بودند.

۱. رونق و آوازه درس آخوند خراسانی از دیار شیعی فراتر رفت و پژواک خود را در دیار اهل تسنن نیز یافت. شیخ الاسلام عثمانی به بهانه زیارت آرامگاه «امام اعظم ابوحنیفه» به بغداد رفت و از آنجا به نجف شتافت و در مسجد شیخ طوسی به‌طور ناشناس در درس آخوند حاضر گشت....

پس از نهضت تنباکو، طلاب درس میرزای شیرازی در سامرا با افکار سیدجمال آشنا و جذب آن شدند. گروهی از آنان نیز از سامرا به حوزه نجف منتقل شدند و پیرامون آیت الله شیخ محمد کاظم خراسانی و دیگر علمای طرفدار حکومت آزاد و ملی در ایران را گرفتند (محیط طباطبایی، سیدمحمد، ص ۳۵).

جنب و جوش سامرا، متقابلاً عاملی تأثیرگذار بر اوضاع داخل ایران بود. به توب بستن مجلس و به دنبال آن، تهدید روسیه به ایران و تجمع طلاب و شاگردان میرزای شیرازی - که دیگر از دار دنیا رفته بود - آخوند خراسانی را در سامرا، تا صدور فتوای جهاد پیش برد. این نخستین آهنگ جهادی شیعی پس از قرن ها علیه سلطانی جائر بود.

ایران پس از ناصرالدین شاه

کشوری که در آن، سلطان «ذوالقرنین»^۱ و تاجدار صاحبقران قرن، تا به آخر، شاهی نتوانست کرد، هیچ شاه دیگر نیز این را نتوانست. بت بزرگ ایران افتاد و شکست. افتادن چنین بتی، روح امید را در دل اصلاح طلبان و آزادی خواهان ایرانی زنده کرد. افتادن ناصرالدین شاه، همانا افتادن ترک بزرگی بر شیشه عمر شاهنشاهی فردی در ایران بود. طول و تفصیل و شیوه ملکداری ناصرالدین شاهی در ایران، دیگر هرگز تکرار نشد و پس از او هیچ سلطانی در این سرزمین به شیوه او حکومت نکرد و در پایان نیز به مرگ عادی یا بر سریر سلطنت و در سرزمین خود نمرد. میرزا علی اصغر خان امین السلطان در زمان مظفرالدین شاه، شاه واقعی کشور و نیز مجری تبعید سیدجمال و اعدام میرزا رضا بود و از مظفرالدین شاه، لقب اتابک اعظم دریافت کرده بود. او هنگام به سلطنت رسیدن محمدعلی شاه در اروپا به سر می برد و محمدعلی شاه در اوایل سلطنت خود، وی را که پوست و گوشتش یادگار دوران «شاه شهید» و استبداد لجام گسیخته وی بود، از اروپا احضار کرد تا با بهره گیری از کار کشتگی و ورزشی او، امر برکنند ریشه مشروطیت را به سرانجام برساند. اتابک به شیوه ای مشابه ناصرالدین شاه، برابر مجلس، از سر راه مجلس نوزاده و مشروطیت نوپا برداشته شد. به جان محمدعلی شاه با پرتاب نارنجک سوء قصد شد، وی جان سالم به در برد، اما از این رویداد عبرتی نگرفت. او چندین بار به قرآن قسم خورد که به مشروطیت وفادار بماند، اما بر عهد شاهانه خود نماند و نپایید. او مجلس شورا ۱. این لقب را بر روی برخی سکه های عصر وی در باره او می توان دید.

را به توب بست و شماری از آزادی خواهان ایران را به شهادت رساند. دبری نگذشت که او برابر حمله آزادی خواهان به تهران، از پایتخت گریخت و به روسیه رفت. یک بار نیز وی در هوس ناکام گردآوری عده و عده برای هجوم به ایران برآمد، اما راه به جایی نبرد و در همان غربت و آوارگی مرد. احمد شاه نیز به پاریس رفت و در آنجا مخلوع و معزول جان سپرد.

رضا شاه را در شهریور ۱۳۲۰ سوار بر یک کشتی باری انگلیسی کردند تا به هند بپردازند. کشتی پس از چندین روز سیر دریایی و توقف در نزدیکی شبه قاره و در زیر هوای خفقان آور دریا در آن ناحیه، به امر اربابان، راه خود را به سوی جنوب آفریقا کج کرد. رضاشاه را خوار و خفیف در ژوهانسبورگ و موریس در دل آب های اقیانوس هند پیاده کردند و او سه سال بعد در آن جا در هم شکست و مرد.

آخرین شاه تاریخ ایران، محمدرضا پهلوی سرگردان سرزمین های گوناگون شد و گاه از روی ناچاری به حاشیه های تیره و تار و گمنام جهان غرب پناه برد و در نهایت مخفیانه به دست پزشکان آمریکایی کشته شد تا شاید مرگ وی، گره از کار فرو بسته بحران میان آمریکا و ایران در ماجرای گروگان گیری بگشاید.^۱ سقوط پهلوی دوم بر اثر انقلاب اسلامی و در آغاز قرنی واقع شد که امام خمینی (ره) آن را قرن پیروزی مستضعفین بر مستکبرین نامید.

تقارن رویدادها در ایران و مصر

خیزش های انقلابی مردم مسلمان ایران - که از نهضت تنباکو آغاز، در نهضت مشروطه ادامه و سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به اوج خود رسید - تأثیر انکارناپذیری در دیگر کشورهای اسلامی و از آن جمله، سرزمین مصر نهاد. از جمله این آثار همزمانی تقریبی این رویدادها بسیار مهم و سرنوشت ساز در هر یک از این دو کشور، بلکه در میمنه و میسر جهان اسلام است. برخی از این تقارن ها عبارتند از:

تقارن مشروطیت و قانون طلبی در ایران و مصر؛ تقارن ملی شدن نفت در ایران با ۱. نزدیکان و محارم متعدد محمدرضا پهلوی، قتل او را به دست پزشکان آمریکایی تأیید کرده اند. در کتاب آخرین سفر شاه، اثر ویلیام شوکراس، فصل بیست و یکم (کشمکش)، ص ۴۵۹ - ۴۵۷ نیز اشاره هایی به این موضوع دیده می شود.

ملی شدن کانال سوئز در مصر که هر یک، خیزشی بزرگ در سرزمینی اسلامی برابر استعمار پیر بودند.

تقارن سرنگونی حکومت فاروق در مصر و حکومت محمدرضا پهلوی در ایران در سال‌های ۱۳۳۲ در ایران و ۱۹۵۳ در مصر.

اوج گیری فعالیت‌های اسلام‌گرایان علیه شاه در ایران و علیه ناصر در مصر و همزمانی این موضوع با وقایع خرداد ۱۳۴۲ که طلیعه نهضت اسلامی در ایران بود.

تقارن سرنگونی شاه در ایران و پناهنده شدن او به مصر و سرانجام ترور انورسادات در آن کشور و فراگیر شدن بیداری و بین الملل اسلامی در سرزمین‌های مختلف اسلامی به شرحی که پرداختن به آن‌ها نیازمند بررسی و مجالی است جداگانه.

منابع

۱. اسدآبادی، لطف‌الله، شرح حال و آثار سیدجمال‌الدین اسدآبادی، دارالفکر، قم، ۱۳۴۹ش.
۲. افغانی (اسدآبادی)، سیدجمال‌الدین و محمدعبده، الآثار الکاملة، به اهتمام دکتر محمد عماره، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، بیروت، ۱۹۷۹م.
۳. اقدامی، سید حسین، طرح یک نقد - گذری در هوای سید جمال‌الدین اسدآبادی، مشعل آزادی، تهران، ۱۳۵۷ش.
۴. الحجاجی، الامام، عرض و تقدیم لشخصية الامام الشهيد حسن البناء، مكتبة و هبة، قاهرة، ۱۹۵۲م.
۵. الاوسی، علی، الطباطبایی و منهجه فی تفسیره المیزان، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۰ش.
۶. بن‌نبی، مالک، وجهة العالم اسلامی، ترجمه عبدالصبور شاهین، دارالفکر، دمشق، ۱۹۸۶م.
۷. جمالی اسدآبادی، ابوالحسن (به اهتمام)، مقالات جمالیه، طلوع آزادی، تهران، ۱۳۵۵ش.
۸. _____، (مقدمه و گردآوری)، نامه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی، پیش گفتار محمد محیط طباطبایی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۹ش.

۹. جوادی آملی، عبدالله، بنیان مرصوص امام خمینی، اسراء، ۱۳۷۵ش.

۱۰. _____، تفسیر موضوعی قرآن مجید، نشر اسراء، ۱۳۷۵ش.

۱۱. حویزی، ابن جمعة العروسی، تفسیر نور الثقلین، چهارم، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ق.

۱۲. خمینی، سید روح‌الله، آداب الصلوة.

۱۳. _____، تفسیر سورة حمد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۵ش.

۱۴. _____، حکومت اسلامی، بیتا، بیجا.

۱۵. _____، صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۰ش.

۱۶. _____، کشف الاسرار، بیجا، ۱۳۶۳ق.

۱۷. _____، وصیت‌نامه سیاسی - الهی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۲ش.

۱۸. خوش منش، ابوالفضل، «جستارهایی در زمینه نظم‌آهنگ قرآن کریم (۱-۳)»، فصلنامه بینات، ش ۲۰ (زمستان ۱۳۷۷)، ش ۲۵ (بهار ۱۳۷۹)، ش ۳۳ (بهار ۱۳۸۱).

۱۹. رشید رضا، سید محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، المنار، قاهره، ۱۳۴۶ق.

۲۰. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۲ش.

۲۱. _____، تبیین رسالت برای قیام به قسط، شرکت سهامی انتشار، تهران.

۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن بالقرآن، اسلامی، قم، ۱۴۰۳ق.

۲۳. طهرانی، آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعه - نقباء البشر فی القرآن الرابع عشر، المطبعة العلمية، النجف الاشرف، ۱۳۷۳ق.

۲۴. عقاد، عباس محمود، راه محمد، ترجمه اسدالله میشری، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵ش.

۲۵. قطب، سید، التصوير الفنی فی القرآن، دارالمعارف، قاهره، بی‌تا.

۲۶. _____، فی ظلال القرآن، فهم، القاهرة، دار الشروق، ۱۴۰۰ق.

۲۷. گلندزیهر (گلندتسیهر)، ایگناس، روش‌های تفسیری در میان مسلمانان، ققنوس، تهران، ۱۳۸۳ش.

۲۸. محمدالخضراء، بشیر، النمط النبوی - الخلیفی فی القيادة السياسية و العربية و

- الديمقراطية، مركز دراسات الوحدة العربية، بيروت، ۲۰۰۵ م.
۲۹. محیط طباطبایی، سید محمد، نقش سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، مقدمه و تعلیقات سید هادی خسروشاهی، دارالتبلیغ اسلامی، اول، قم، ۱۳۵۰ ش.
۳۰. مدرسی چهاردهی، سیدمرتضی، تاریخ روابط ایران و عراق، فروغی، تهران، ۱۳۵۱ ش.
۳۱. _____، سیدجمال الدین و اندیشه های او، امیرکبیر، سوم، تهران، ۱۳۴۷ ش.
۳۲. مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، صدرا، ۱۳۷۲ ش.
۳۳. معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۴۱۸ ق.
۳۴. موثقی، سیداحمد، سیدجمال الدین اسدآبادی - مصلحی متفکر و سیاستمدار، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ ش.
۳۵. _____، علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشه ها و آرای سیاسی سیدجمال الدین اسدآبادی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۳۶. موسی الحسینی، اسحاق، اخوان المسلمین بزرگ ترین جنبش اسلامی مصر، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، اطلاعات، ۱۳۷۲ ش.